



نقش نظریه‌ی ذهن در پیش‌بینی کفایت اجتماعی با میانجیگری هوش هیجانی در نوجوانان

منصور بیرامی^۱، طاهره عالمزاده^۲، شیرین فاطمی^۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش میانجیگری هوش هیجانی در رابطه بین ابعاد نظریه ذهن با کفایت اجتماعی در نوجوانان بود. جامعه‌ی پژوهش حاضر کلیه‌ی نوجوانان دختر ۱۲ تا ۱۵ سال شهر تبریز بود. تعداد ۱۵۰ نوجوان به صورت تصادفی انتخاب شدند. اطلاعات موردنیاز به وسیله آزمون نظریه ذهن استیرنمن (۱۹۹۰) مقیاس هوش هیجانی بار آن (۱۹۸۰) و مقیاس سنجش کفایت اجتماعی فلنر گردآوری شد. تجزیه و تحلیل آماری به وسیله آزمون مدل میانجیگری چندگانه با بیش از یک متغیر مستقل با استفاده از برنامه آماری AMOS و SPSS21 انجام شد. شواهد تحقیقاتی، به طور کلی از ارتباط مثبت و معنی‌دار هوش هیجانی با شاخص‌های مختلف سازش یافتگی اجتماعی، نظیر رفتار مناسب اجتماعی در کودکان دبستانی، همدلی افراد با یکدیگر و گشودگی در برابر احساس‌ها، عدم تعامل منفی با دوستان، گرم بودن و احساس همدردی با دیگران، برقراری ارتباط مثبت با دیگران و رضایت از این ارتباط خبر می‌دهد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، هوش هیجانی در رابطه بین متغیرهای نظریه ذهن و کفایت اجتماعی در دختران نوجوان نقش میانجی دارد. این بیانگر نقش میانجیگری کامل ابعاد شادمانی، واقع‌گرایی، روابط بین فردی، خویش‌داری و انعطاف‌پذیری در رابطه بین نظریه ذهن سطح دوم و فایده اجتماعی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: نظریه ذهن، کفایت اجتماعی، هوش هیجانی

^۱ استاد تمام گروه روانشناسی دانشگاه تبریز

^۲ دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه تبریز

^۳ دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

دوره‌ی نوجوانی، دوره‌ی حساسی است و سازگاری اجتماعی نوجوان در این دوره دستخوش تحولات عاطفی، جسمانی و ذهنی فوق‌العاده شدیدی است که هنوز به‌طور کامل رشد نیافته است. با سپری شدن دوران کودکی و ورود به دوران نوجوانی، رشد روانی - اجتماعی از تحول ساده به تحول عمیق و کیفی تبدیل می‌شود و نوجوان با به‌کارگیری مهارت‌های اجتماعی، می‌تواند جایگاه خود را در میان مراودات اجتماعی و ارتباط با همسالان خود و بزرگسالان پیدا کند و موردپذیرش اجتماعی قرار گیرد (اکبری، ۱۳۸۸).

یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری روابط اجتماعی، هوش هیجانی می‌باشد. به نظر مایر و سالوی^۴ (۲۰۰۲) هوش هیجانی به مجموعه‌ای از توانایی‌ها و قابلیت‌هایی اشاره می‌کند که از ویژگی‌های ضروری زندگی اجتماعی انسان است و هوش هیجانی موجب پردازش مناسب اطلاعاتی می‌شود که بار هیجانی دارند و استفاده از آن‌ها برای هدایت فعالیت‌های شناختی مانند حل مسئله و تمرکز انرژی بر روی رفتارهای لازم ضرورت دارد. هوش هیجانی نقش اساسی در تعاملات اجتماعی دارد و شاخص سازگاری و بهزیستی فرد در مواجهه با چالش‌های زندگی است (واکوئرو، تاريجاس و رودریگز^۵، ۲۰۲۰). آموزش هوش هیجانی با بالا بردن شناخت فرد از خودش و دیگران، به ارتباط با دیگران و سازگاری و انطباق با محیط پیرامون که برای موفق شدن در برآوردن خواسته اجتماعی لازم است منجر می‌گردد.

کفایت اجتماعی عبارت است از دارا بودن مهارت‌ها و رفتارهای اجتماعی که سبب تعامل موفقیت‌آمیز در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت می‌شود و نتیجه‌ی آن نگهداری موفقیت‌آمیز ارتباطات و مهارت‌های اجتماعی است (سگرین^۶، ۲۰۰۰). به‌عبارت‌دیگر کفایت اجتماعی توانایی عملکرد انسان در اجرای استقلال شخصی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. فلنر، لیس و فیلیپس^۷ (۱۹۹۰) معتقدند که کفایت اجتماعی چهار مؤلفه دارد: الف) مهارت‌های شناختی که شامل خزانه اطلاعات و مهارت‌های پردازش و کسب اطلاعات، توانایی تصمیم‌گیری، باورهای کارآمد و ناکارآمد و سبک اسنادی است (کندال و برازول^۸، ۱۹۹۳). ب) مهارت‌های رفتاری به‌عنوان مؤلفه مهم دیگر کفایت اجتماعی است. وقتی شخص برای رسیدن به یک نتیجه دلخواه رفتاری را برمی‌گزیند باید آن رفتار در دسترس باشد. مذاکره، ایفای نقش، ابراز وجود، مهارت‌های محاوره‌ای برای شروع و تداوم تعامل‌های اجتماعی، مهارت‌های فراگیری و یادگیری رفتار دوستانه با دیگران، از مؤلفه‌های اصلی مهارت‌های رفتاری تلقی گردیده‌اند. ج) مهارت‌های هیجانی و عاطفی مؤلفه سومی است که برای برقراری روابط مثبت با دیگران، ایجاد و گسترش اعتماد و روابط حمایتی دوجانبه، شناسایی و پاسخ‌دهی مناسب به علائم هیجانی در تعامل‌های اجتماعی یا مدیریت استرس لازم به نظر می‌رسد. د) مهارت‌های انگیزشی شامل ساختار ارزشمند فرد، سطح رشد اخلاقی و احساس اثربخشی و کنترل فرد و درنهایت احساس خودکارآمدی او می‌شود.

ما زمانی که در تعاملات اجتماعی هستیم مدام وضعیت روانی دیگران را ارزیابی و رفتار آن‌ها را پیش‌بینی می‌کنیم و این اهمیت نظریه ذهن را نشان می‌دهد. اصطلاح نظریه ذهن اولین بار توسط پریماتولوژیست‌ها^۹، پریماک و وودراف^{۱۰} (۱۹۸۷) به‌کاربرده شد. سپس این اصطلاح توسط روان‌شناسان تحولی بامنظور بررسی رشد دیدگاه‌گیری مورد استفاده قرار گرفت. اگرچه پیازه نخستین کسی بود که به این موضوع تحت عنوان خود میان‌بینی پرداخت اما بررسی دقیق در مورد دیدگاه‌گیری توسط فلاول (۱۹۶۳) صورت گرفته است. مطابق با نظریه‌ی سلمن، کودکان به‌تدریج که توان تمیز بین دیدگاه خود و دیگران را پیدا می‌کنند، به درک بهتری از خود و دیگران می‌رسند. سلمن معتقد است برای اینکه بتوان دیگری را درک کرد باید بتواند خود را جای دیگری بگذارد و به این توانایی سلمن، دیدگاه‌گیری می‌گوید. او تغییر در درک دیگران را در ۵ مرحله مطرح می‌کند. مرحله صفر (دیدگاه‌گیری خود محورانه): مرحله ۴ تا ۶ سالگی را شامل می‌شود و دیدگاه‌گیری خاص هنوز شکل نگرفته است. مرحله ۱ (دیدگاه‌گیری مبتنی بر اطلاعات اجتماعی): ۶ تا ۸ سالگی را شامل می‌شود و کودک می‌تواند دیدگاه دیگران را هم در نظر بگیرد و متوجه می‌شود موضوعی که می‌تواند فردی را برانگیزد ممکن است فرد دیگری را برانگیخته نکند. مرحله ۲ (دیدگاه‌گیری مبتنی بر خوداندیشی): ۸ تا ۱۲ سال را در برمی‌گیرد. با هود اندیشی متوجه می‌شود که دیگران نظر یکسانی درباره او ندارند و خودش هم در مورد همه دیدگاه یکسانی ندارد. مرحله ۳ (نقش‌گیری متقابل): ۱۰ تا ۱۲ سال را شامل می‌شود. در این مرحله تفکر زنجیره‌ای شکل می‌گیرد و می‌تواند احساس و تفکر دو نفر خارج از خود را نسبت به یکدیگر در نظر بگیرد. مرحله ۴ (تفکر زنجیره‌ای چند سویه): ۱۲ تا ۱۵ سالگی را شامل می‌شود و تفکر چند حلقه‌ای است و قراردادهای اجتماعی نیز اهمیت دارند و اعتقاد دارد هماهنگی ارزش‌ها باعث می‌شود دیدگاه افراد به هم نزدیک شود. ما انسان‌ها گروهی زندگی می‌کنیم و باهم تعامل داریم. ویژگی اصلی رفتار اجتماعی انسان که او را از سایر حیوانات متمایز می‌کند توانایی برقراری رابطه دوسویه با دیگران است. چارچوب اولیه نظریه ذهن، شناخت اجتماعی است. این ویژگی نیازمند

^۴ Mayer & salvy

^۵Vaquero, Torrijos, & Rodriguez,.

^۶ segrin

^۷Felner, Lease & Philips

^۸Kendall & Braswel

^۹ prematolodists

^{۱۰} Primark & wovderaf

این است که فرد بداند دیگران چگونه فکر می‌کنند و دارای چه احساسی هستند. چنین ظرفیتی «نظریه ذهن» نامیده می‌شود. شناخت اجتماعی یک توانایی حیاتی برای موفقیت در روابط اجتماعی در زندگی روزمره افراد می‌باشد (خانجانی و هداوندخانی، ۲۰۱۰). نظریه ذهن یعنی درک اینکه، دیگران و خود شخص دارای تفکرات، آرزوها و عقایدی هستند و این شرایط ذهنی‌شان، رفتار را کنترل می‌کند و در واقع یک توانایی بنیادی در درک عامل رفتار انسان است، و در زندگی روزمره افراد نقش مهمی را بازی می‌کند. لزل^{۱۱} (۱۹۸۸) نظریه ذهن را به‌عنوان قدرت ذهن انسان برای تصور کردن حالت‌های ذهنی خودش و دیگران تعریف می‌کند. شافر (۲۰۰۰) نیز نظریه ذهن را وجه تمایز خود عمومی^{۱۲} و خود خصوصی^{۱۳} می‌داند که دلالت بر کسب نظریه ذهن دارد؛ درک اینکه مردم حالت‌های ذهنی از قبیل باورها، امیال و مقاصد دارند که اغلب هدایت‌کننده رفتار آن‌ها است. حالت‌های ذهنی دربرگیرنده دامنه وسیعی از قصدها، امیدواری‌ها، ترس‌ها، انتظارها، امیال، تصویرها و ... می‌باشد که سه مورد از این حالت‌ها در چگونگی تعبیر و تفسیر و پیش‌بینی رفتار افراد اصلی هستند. این سه مورد عبارت‌اند از: میل^{۱۴} که مشخص‌کننده اهداف فرد است، باور^{۱۵} که بر اساس آن، چیزی را که فرد درست می‌داند را پیش‌بینی می‌کنیم، وانمود^{۱۶} چراکه مردم معمولاً آنچه هستند را نشان نمی‌دهند (کازدین^{۱۷}، ۲۰۰۴).

هان و فاروکوی^{۱۸} (۲۰۱۳) نشان دادند که هوش هیجانی زمینه‌ساز بهبود ارتباطات با دیگری، مهارت‌های همدلی، احترام به دیگران، مدیریت استرس، افزایش خلاقیت و کاهش اشتباهات می‌باشد و کفایت اجتماعی بالاتری را پیش‌بینی می‌کند. در پژوهشی دوکانهی^{۱۹} و قائم‌مقامی (۲۰۱۵) تحت عنوان بررسی رابطه هوش هیجانی با کفایت اجتماعی در دانش‌آموزان نشان دادند بین هوش هیجانی با کفایت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود داشته و مؤلفه‌های هوش هیجانی به‌طور معنی‌داری کفایت اجتماعی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کند.

کاسدی^{۲۰} (۲۰۱۳) معتقد است که نقص در نظریه ذهن، کفایت اجتماعی را کاهش می‌دهد و بین این دو رابطه منفی و معکوس وجود دارد. فرنیا و همکاران^{۲۱} (۲۰۱۸) در همین راستا در پژوهش خود نشان دادند که نمره بالا در مقیاس نظریه ذهن با نمره بالا در کفایت اجتماعی در افراد بزرگسال همبستگی مثبت دارد. در همین راستا اسلاتر^{۲۲} (۲۰۱۵) در تحقیق خود نشان داد که بین نظریه ذهن و کفایت اجتماعی نوجوانان رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد و بیان کرد مشکلات آن‌ها در برقراری ارتباط اجتماعی ناشی از نقص یا تحول نایافتگی نظریه ذهن آن‌ها است. لان و همکاران^{۲۳} (۲۰۱۰) نیز بر نقش نظریه ذهن بر کفایت اجتماعی تأکید کردند.

مواد و روش کار

این پژوهش از نوع پژوهش‌های همبستگی است. جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل دانش‌آموزان دختر مقطع دوره اول دبیرستان شهر تبریز بودند. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد، که شامل ۱۵۰ نفر که از بین تمامی نوجوانان دختر گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ ساله به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. به‌منظور آزمون نقش میانجی‌گری هوش هیجانی در رابطه ابعاد نظریه ذهن با کفایت اجتماعی از برنامه آماری و AMOSS, SPSS21 برای آزمون مدل میانجی‌گری چندگانه تک‌مرحله‌ای با یک متغیر مستقل استفاده شده است.

پرسشنامه هوش هیجانی بار آن: اولین مقیاس هوش هیجانی با طرح این سؤال که چرا بعضی از مردم نسبت به بعضی دیگر در زندگی موفق‌ترند، آغاز گردید. مقیاس هوش هیجانی او دارای پنج مقیاس یا جنبه (مهارت‌های درون فردی، مقابله با فشار، سازگاری و خلق کار) و ۱۵ خرده مقیاس است. پاسخ‌های آزمون نیز در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، تا حدودی، مخالفم و کاملاً مخالفم) تنظیم شده است. مقیاس مهارت‌های درون فردی شامل مقیاس‌های آگاهی هیجان، خود ایزاری احترام به خودشکوفایی و استقلال است. مقیاس مهارت‌های بین فردی شامل خود مقیاس‌های همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و روابط بین فردی است. مقیاس مقابله با فشار شامل خرده مقیاس‌های تحمل استرس و کنترل تکانه است. مقیاس سازگاری شامل خرده مقیاس‌های انعطاف‌پذیری، حل مسئله و واقعیت‌سنجی است و مقیاس خلق کلی شامل خرده مقیاس‌های شادی و خوش‌بینی است. این پرسشنامه دارای ۹۰ سؤال است که نخستین پرسشنامه فرا فرهنگی ارزیابی هوش هیجانی است. این آزمون در سه مرحله در ایران اجرا شده و پس از انجام برخی تغییرات در متن اصلی پرسشنامه،

^{۱۱} Ieslie

^{۱۲} Public self

^{۱۳} Private self

^{۱۴} desier

^{۱۵} belief

^{۱۶} pretend

^{۱۷} kazdin

^{۱۸} Han & Farooqui

^{۱۹} Dokaneheei & Ghaemmaghani

^{۲۰} Cassidy, k

^{۲۱} Farnia, V & et al

^{۲۲} Lane, Wellman, Olson, LaBounty & Kerr

هدف یا تغییر بعضی سؤالات و تنظیم مجدد سؤالات هر مقیاس، پرسشنامه از ۱۱۷ سؤال به ۹۰ سؤال تقلیل یافت. میزان آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۳ گزارش شده است.

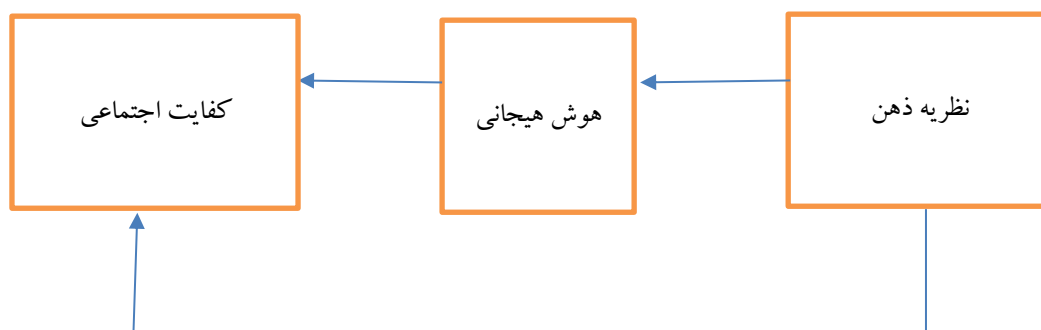
ابزارها

آزمون کفایت اجتماعی فلنر: این پرسشنامه را کرمی و پرندین در ایران هنجاریابی کرده است و درنهایت پس از تحلیل عاملی، چهار عامل به‌عنوان عوامل نهایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفتند. در این پرسشنامه ۳۴ سؤال به مهارت‌های رفتاری اختصاص دارد، ۷ سؤال آمایه های انگیزشی و انتظارات، ۳ سؤال مهارت‌های شناختی و ۳ سؤال نیز کفایت هیجانی را می‌سنجد. وی برای برآورد ضریب پایایی مقیاس از دو روش آلفای کرونباخ و ضریب همبستگی بین دو بار اجرا (باز آزمایی) استفاده کرده و روش آلفای کرونباخ را نیز برای بررسی همسانی درونی مقیاس و خرده مقیاس به کار گرفته است. ضریب آلفای به‌دست‌آمده از پرسشنامه کفایت اجتماعی بعد از حذف سؤالاتی که همبستگی کمی با نمره کل داشتند برابر $(\alpha=0/884)$ است که نشان می‌دهد پرسشنامه از ضریب همسانی درونی قابل‌قبول و مطلوبی برخوردار است. این پرسشنامه همچنین از نظر روایی محتوایی مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به پشتوانه نظری مطرح‌شده توسط فلنر، از دیدگاه متخصصان روان‌شناسی و روان‌سنجی، روایی صوری و منطقی آن تأیید شد (کراک^{۲۳}، ۱۹۹۷).

آزمون استیرنمن: آزمون نظریه ذهن ۳۸ سؤالی توسط استیرنمن (۱۹۹۹) ساخته شده است. نسخه اصلی این آزمون به‌منظور سنجش نظریه ذهن در کودکان عادی و مبتلابه اختلال فراگیر تحولی با سنین ۵ تا ۱۲ سال و اطلاعاتی راجع به گستره درک اجتماعی، حساسیت، بینش کودک، و میزان و درجه‌ای که وی قادر است احساسات و افکار دیگران را بپذیرد، فراهم می‌آورد. قمرانی، البرزی و خیر روایی هم‌زمان این آزمون را از طریق همبستگی با تکلیف خانه عروسکی‌ها ۰/۸۹ برآورد کردند که در سطح ۰/۰۱ معنادار بوده است. ضرایب همبستگی خرده آزمون‌ها با نمره کل آزمون نیز در تمام موارد معنادار و بین ۰/۸۲ تا ۰/۹۶ متغیر بوده است. اعتبار آزمون به‌وسیله سه روش باز آزمایی، آلفای کرونباخ و ضرایب اعتبار نمره گذاران بررسی گردیده است. اعتبار باز آزمایی بین ۰/۷۰ تا ۰/۹۴ متغیر بوده و کلیه ضرایب در سطح $\alpha=0/1$ معنادار بوده است. ثبات درونی آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل آزمون و هر یک از خرده آزمون‌ها به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۰، ۰/۷۲، ۰/۸۶، محاسبه گردیده است. همچنین ضریب اعتبار نمره گذاران ۰/۹۸ به دست آمد (قمرانی، ۲۰۰۶).

یافته‌ها:

مدل فرضی که برای این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت به‌صورت زیر می‌باشد:



شکل ۱: مدل نهایی پژوهش

با توجه به داده‌های آماری به‌دست‌آمده، شاخص‌های روان‌شناختی در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول (۱): شاخص‌های آماری متغیرهای پژوهش

میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه		
۳۵/۸۹	۱/۷۸	۳۲	۴۰	سطح اول	ابعاد نظریه ذهن
۲۱/۲۲	۱/۷۲	۱۷	۲۵	سطح دوم	
۷/۶۴	۰/۸۹	۵	۹	سطح سوم	
۱۴/۵۸	۴/۳۵	۶	۲۷	حل مسئله	ابعاد هوش هیجانی
۱۲/۶۴	۲/۵۳	۶	۲۱	شادمانی	
۱۵	۳/۳۷	۵	۲۳	استقلال	

^{۲۳} krack

۳۰	۶	۳/۸۷	۱۹/۳۹	تحميل فشار روانی
۲۷	۷	۳/۳۱	۱۷/۷۷	خودشکوفایی
۲۱	۹	۲/۹۱	۱۵/۷۳	خودآگاهی هیجانی
۲۳	۷	۳/۱۹	۱۱/۸۴	واقع گرایی
۲۵	۷	۳/۶۶	۱۵/۳۹	روابط بین فردی
۲۴	۶	۳/۳۷	۱۵/۰۰	خوش بینی
۲۱	۶	۳/۶۵	۱۲/۷۴	احترام به خود
۲۳	۷	۳/۵۳	۱۲/۲۰	خویشتن داری
۲۴	۶	۳/۹۷	۱۴/۷	انعطاف پذیری
۲۸	۸	۳/۶۴	۱۷/۲۳	مسئولیت پذیری
۲۳	۶	۳/۰۹	۱۳/۴۱	همدلی
۲۴	۷	۳/۶۵	۱۵/۳۰	خود ابراز گری
۱۲۷	۶۳	۱۴/۸۸	۸۷/۶۱	مهارت اجتماعی

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، در بین ابعاد نظریه ذهن، بیشترین و کمترین میانگین به ترتیب مربوط به نظریه ذهن سطح اول و نظریه ذهن سطح سوم می‌باشد. در بین ابعاد هوش هیجانی، بیشترین و کمترین میانگین به ترتیب مربوط به خویشتن‌داری و مسئولیت‌پذیری می‌باشد.

جدول (۲): میزان تأثیر ابعاد نظریه ذهن و ابعاد هوش هیجانی بر مهارت‌های اجتماعی

اثر	خطای	t	p	R	R2	F	Df1	Df2	p
استاندارد	معیار								
حل مسئله	۰/۱۵۳۴	۱/۸۹۷۵	۰/۰۵۹	۰/۷	۰/۵	۱۲/۸	۱۹	۲۰	...
شادمانی	۰/۱۶۴	۲/۶۱۲۲	۰/۰۰۹						۰/
استقلال	-۰/۱۰۹۶	۱/۶۹۱۲	۰/۰۹۲						
تحميل فشار روانی	۰/۰۱۸۷	۰/۲۴۴۱	۰/۸۰۷۴						
خودشکوفایی	-۰/۰۳۱۳	۰/۰۷۷۲	۰/۴۰۵۹						
خودآگاهی	-۰/۰۵۰۸	۰/۰۶۴۸	۰/۷۸۶۸						
واقع گرایی	۰/۲۸۸۹	۰/۰۷۳۹	۳/۹۲۱۱						
روابط بین فردی	۰/۱۵۰۰	۰/۰۷۰۹	۲/۱۱۵۶						
خوش بینی	-۰/۰۲۸۹	۰/۰۷۴۹	۰/۹۸۲۰						
احترام به خود	-۰/۱۲۵۲	۰/۰۷۶۳	۱/۶۸۰۹						
خویشتن‌داری	۰/۲۱۳۱	۰/۰۷۹۹	۲/۶۴۳۱						
انعطاف پذیری	۰/۲۰۹۰	۰/۰۶۰۴	۳/۵۶۷۳						
مسئولیت پذیری	۰/۹۸۳۴	۰/۰۹۸۷	۱/۶۷۳۳۲						
همدلی	۰/۸۷۹۰	۰/۰۳۶۸۴	۲/۶۵۷۸						
خود ابرازی	۰/۸۷۶۰	۰/۰۳۴۱۲	۳/۷۶۸۶						
نظریه ذهن سطح ۱	۰/۰۵۱۲	۰/۰۵۵۵	۰/۹۲۲۰						۰/۳۵۷۶

نظریه	ذهن	۰/۰۷۹۷	۰/۰۵۹۲	۱/۳۴۱۷	۰/۱۷۹
سطح ۲					
نظریه	ذهن	۰/۰۱۴۸	۰/۰۵۰۲	۰/۲۹۳۹	۰/۷۶۹
سطح ۳					

در بررسی رابطه مستقیم ابعاد نظریه ذهن و ابعاد هوش هیجانی تنها اثر مستقیم ابعاد شادمانی، واقع‌گرایی، روابط بین فردی، خویشتن‌داری و انعطاف‌پذیری بر مهارت‌های اجتماعی معنی‌دار می‌باشد. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود میزان تأثیر مستقیم نظریه ذهن سطح دوم بر مهارت‌های اجتماعی که همان تأثیر نظریه ذهن سطح دوم بر ضرایب اثر استاندارد در جدول ۲ تحت شرایطی محاسبه می‌شود که در آن تمام متغیرهای میانجی تر (ابعاد هوش هیجانی) و مستقل (ابعاد نظریه ذهن) هم‌زمان در یک معادله رگرسیونی جهت پیش‌بینی متغیر وابسته (مهارت‌های اجتماعی) مشارکت دارند.

از بین مهارت‌های اجتماعی پس از کنترل متغیرهای میانجی‌گر (ابعاد هوش هیجانی) می‌باشد، از لحاظ آماری معنی‌دار ($p=0/1794>0/05$) نیست. در واقع پس از ورود متغیرهای میانجی‌گر (ابعاد هوش هیجانی) اثر متغیر مستقل نظریه ذهن سطح دوم بر مهارت‌های اجتماعی (که بنا بر جدول ۲) از لحاظ آماری بی‌معنی شده است. این بیانگر نقش میانجی‌گری کامل (نه جزئی) ابعاد شادمانی، واقع‌گرایی، روابط بین فردی، خویشتن‌داری و انعطاف‌پذیری در رابطه بین نظریه ذهن سطح دوم و مهارت‌های اجتماعی می‌باشد.

جدول (۳): اثر مستقیم و غیرمستقیم معنی‌دار ابعاد نظریه ذهن و ابعاد هوش هیجانی بر مهارت‌های اجتماعی

اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
۰/۲۸۹۸	-	۰/۲۸۹۸
۰/۱۶۴۰	-	۰/۱۶۴۰
۰/۱۵۰۰	-	۰/۱۵۰۰
۰/۲۱۱۳	-	۰/۲۱۱۳
۰/۲۰۹۰	-	۰/۲۰۹۰
-	۰/۲۱۲۸	۰/۲۱۲۸

بحث و نتیجه‌گیری

تمام متغیرهای میانجی (ابعاد هوش هیجانی) و مستقل (ابعاد نظریه ذهن) هم‌زمان در یک معادله رگرسیونی جهت پیش‌بینی متغیر وابسته (مهارت‌های اجتماعی) مشارکت دارند. لازم به ذکر است از بین ابعاد نظریه ذهن و ابعاد هوش هیجانی تنها اثر مستقیم ابعاد شادمانی، واقع‌گرایی، روابط بین فردی، خویشتن‌داری و انعطاف‌پذیری بر مهارت‌های اجتماعی معنی‌دار می‌باشد. این بیانگر نقش میانجی‌گری کامل ابعاد شادمانی، واقع‌گرایی، روابط بین فردی، خویشتن‌داری و انعطاف‌پذیری در رابطه بین نظریه ذهن سطح دوم و مهارت‌های اجتماعی می‌باشد. نتایج حاصل از تحلیل آماری در پژوهش بیانگر آن است که در بین ابعاد نظریه ذهن فقط نظریه ذهن سطح دوم با مهارت‌های اجتماعی رابطه مستقیم و معنی‌دار است، اما سایر ابعاد نظریه ذهن با مهارت‌های اجتماعی رابطه معنی‌داری ندارند. یافته این پژوهش همسو با یافته‌های یوسفی (۲۰۰۱) که بیانگر آن است، نظریه ذهن برای داشتن تمایلات اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی ضروری تلقی شده است. ساتسانی، فارست و روکه^{۲۴} (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان دادند که آموزش مهارت‌های اجتماعی با تغییراتی که در تئوری ذهن ایجاد می‌کند پذیرش دانش آموزان اول راهنمایی دچار اختلال اتیسم را از سوی همسالان افزایش می‌دهد مطابقت دارد. ثورندایک بر این باور است که توانایی‌های اجتماعی یا به عبارت دیگر مهارت اجتماعی، برگرفته از هوش هیجانی است. هوش هیجانی با میزان توانایی فرد در ابراز همدلی با دیگران رابطه دارد. توان همدلی با دیگران به‌ویژه به فرد کمک می‌کند تا در ابعاد مردم‌آمیزی و صمیمیت در حوزه روابط اجتماعی کارکردی موفق‌تر داشته باشد. به این اساس، هوش هیجانی از راه همدلی، مشکلات بین شخصی را کاهش می‌دهد و باعث بهبود در کیفیت مهارت اجتماعی می‌شود. هرچه سطح هوش هیجانی فرد بالاتر باشد، ادراک هیجانی وی نیز افزایش می‌یابد. این سطح از ادراک، با افزایش قدرت ارزیابی محرک‌های محیطی و بالا بردن توان برقراری روابط عاطفی و ابراز همدلی، کنش‌وری سازش یافته فرد را افزایش می‌دهد و باعث بهبود در کیفیت مهارت اجتماعی می‌شود. همچنین تحقیق ملنیک و هاروی^{۲۵} (۲۰۱۷) نشان می‌دهد افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردارند، از توانش‌های اجتماعی مؤثرتری نیز برخوردارند و به‌واسطه‌ی آن روابط بین فردی مطلوبی را ایجاد کرده، می‌توانند هیجان‌ات خود را درک و ابراز کنند و

^{۲۴} Tsatsanis, K. D., Fuerst, D. R., & Rourke

^{۲۵} Melnick, H., Cook-Harvey, C., & Darling-Hammond,

توانایی درک هیجان‌های دیگران را نیز داشته باشند. نتایج حاصل از پژوهش کوکالری و همکاران^{۲۶} (۲۰۱۷)؛ بوک و همکاران^{۲۷} (۲۰۱۵) و یزدی و همکاران^{۲۸} (۲۰۱۸) همسو با یافته‌های این پژوهش است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که رشد نظریه ذهن با رشد فرانشاخت و تفکر ارتباط دارد که منجر به افزایش کنترل فرد بر روی افکار و اعمال خویش و در نهایت سازمان‌دهی وی بر با موقعیت‌های مختلف می‌گردد (بوک و همکاران، ۲۰۱۵). بر این اساس، توانایی نظریه‌ی ذهن می‌تواند با تأثیرگذاری مثبت بر مهارت‌های اجتماعی افراد، به آنان کمک کند تا روابط قوی با اعضای خانواده، محیط آموزشی و همسالان خود برقرار سازند، به هنگام مواجهه با مسائل، در آن‌ها غرق نشوند و با عملکرد مناسب و به‌موقع، راه‌حل مناسبی پیدا کنند و در صورت شکست آن راه‌حل، راه‌حل‌های جایگزین را به کار برند (کوکالری و همکاران، ۲۰۱۸). از طرفی، هوش هیجانی بالا به فرد این توانایی را می‌دهد که با خودآگاهی، خودکنترلی، خودانگیزی، همدلی و مهارت اجتماعی، احساسات و هیجانات خود و دیگران را بیشتر بشناسد، اطرافیان را درک کند، با دیگران همدلی کند و ارتباطاتش را بهبود ببخشد (مرچن-کالوینو و همکاران^{۲۹}، ۲۰۱۹) و در نتیجه با توانایی مدیریت هیجان، فکر و احساسش، قادر به توانایی اصلاح فرآیندهای فکری و سازگاری با موقعیت‌های مختلف خواهد بود.

شواهد تحقیقاتی، به‌طور کلی از ارتباط مثبت و معنی‌دار هوش هیجانی با شاخص‌های مختلف سازش یافتگی اجتماعی، نظیر رفتار مناسب اجتماعی در کودکان دبستانی، همدلی افراد با یکدیگر و گشودگی در برابر احساس‌ها، عدم تعامل منفی با دوستان، گرم بودن و احساس همدردی با دیگران، برقراری ارتباط مثبت با دیگران و رضایت از این ارتباط خبر می‌دهد. با آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌توان به ارتقای نظریه ذهن کمک کرد تا از این طریق کودکان با شناخت هیجانات، درک باورها، امیال و پیش‌بینی و تبیین رفتارهای دیگران، حالات ذهنی آن‌ها را درک کنند و از آن برای برقراری تعاملات اجتماعی استفاده کنند.

References:

- Akbari, Abulqasem. (2008) *Adaptation, academic and career guidance*, Tehran: Growth and Development: Savalan.
- Bock, A.M., Gallaway, K.C., & Hund, A.M. (2017). Specifying links between executive functioning and theory of mind during middle childhood: Cognitive flexibility predicts social understanding. *Journal of Cognition and Development*, 16(3), 509- 521.
- Cassidy, k. (2013). Preschoolers use of desires to solve theory of mind problems in a pretend context. *J Developmental psychology*;317 (3):503-511
- Dokaneheei, F., & Ghaemmaghami, G. (2015). The correlation between the emotional with social competence in female students at high schools of Damavand city. *Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences*, 5 (S2), 2055-2060
- Farnia, V., Naami, A., Zargar, Y., Davoodi, I., Salemi, S., & Tatari, F. (2018). Comparison of trauma-focused cognitive behavioral therapy and theory of mind: Improvement of posttraumatic growth and emotion regulation strategies. *J Edu Health Promot*, 7:58.
- Ghamarani A, Alborzi SH. And Kheyer M.(2006) The validity and reliability tests of theory of mind in a group of students with mental retardation and normal, Shiraz. *Journal of Psychology*; 10(2): 181-199. [Persian].
- Kazdin, A.E.(Eds.).(2004). *Encyclopedia of psychology* (vols 1-8). Washington, DC: American Psychological Association.
- Khanjani G, Hadavandkhani P. Theory of Mind: Evolution and perspectives. *Journal of Psychology*, University of Tabriz. 2010; 16(10): 89-116. [Persian]
- Kruk, E. (1997). Medication and conflict resolution in social work and the human services: issues, debates, and trends. in kruk, E. (Ed), *Medication and conflict resolution in social work and the human services*, Chicago: Nelson-hall. pp. 1-17.
- Lane, J.D.; Wellman, H.M.; Olson, S.L.; LaBounty, J. & Kerr, D.C.R. (2010). Theory of Mind and Emotion Understanding Predict Moral Development in Early Childhood. *British Journal of Development Psychology*, 28, P: 871 –889
- Mattingly, V., & Kraiger, K. (2019). Can emotional intelligence be trained? A meta-analytical investigation. *Human Resource Management Review*,29(2):140-155
- Mayer, J. salevy .(2000). What is emotional intelligence? From Salovey, P and Sluyter, D. (eds.) *Emotional development and emotional intelligence: Educational Implications*.
- Melnick, H., Cook-Harvey, C., & Darling-Hammond, L. (2017). *Encouraging Social and Emotional Learning In the Context of New Accountability*. Palo Alto, CA: Learning Policy Institute.
- Moats, L. C. (2016). *Learning disabilities*. Offers a wide range of fact sheets online.

^{۲۶} Kouklari,, Thompson, , Monks,, & Tsermentseli,

^{۲۷} Bock, Gallaway., & Hund

^{۲۸} Yazdi,, Farahi, Farahi,,, & Hosseini,

^{۲۹} Merchán-Clavellino,, Alameda-Bailén,, Zayas García, , & Guil,

- Merchán-Clavellino, A., Alameda-Bailén, J.R., Zayas García, A., & Guil, R. (2019). Mediating effect of trait emotional intelligence between the behavioral activation system (BAS)/ behavioral inhibition system (BIS) and positive and negative affect. *Frontiers in Psychology*, 10, 424-439. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.00424>
- Slaughter V. (2015), Theory of mind in infants and young children: a review *Australian Psychologist*, 50(3):16-2. doi:10.1111/ap.12080
- Tsatsanis, K. D., Fuerst, D. R., & Rourke, B. P. (2017). Psychosocial dimensions of learning disabilities: External validation and relationship with age and academic functioning. *Journal of Learning Disabilities*, 30, 410–502.
- Vaquero, M. D., Torrijos, P. F., & Rodriguez, M. J. C. (2020). Relation between perceived emotional intelligence and social factors in the educational context of Brazilian adolescents. *Psicologia: Reflexão e Crítica*, 33(1).
- Yazdi, S.A.A., Farahi, S.M.M., Farahi, S.M.M., & Hosseini, J. (2018). Emotional intelligence and its role in cognitive flexibility of children with and without attention deficit hyperactivity disorder. *Anales de Psicología/Annals of Psychology*, 34(2), 299-304. <https://doi.org/10.6018/analesps.34.2.28377>

The Role of Theory of Mind in Predicting Social Adequacy with the Mediation of Emotional Intelligence in Adolescents

Mansour Beyrami[∗], Tahereh Alemzadeh^{∗∗}, Shirin Fatemi^{∗∗∗}

Abstract

The aim of the current research was to investigate the mediating role of emotional intelligence in the relationship between the dimensions of socially competent theory of mind in adolescents. The population of the current research was all female adolescents aged 12 to 15 in Tabriz city. 150 teenagers were randomly selected. The required information was collected by Stirenman's theory of mind test (1990), Barr's emotional intelligence scale (1980) and Felner's social competence measurement scale. Statistical analysis was performed by multiple mediation model test with more than one independent variable using AMOS and SPSS21 statistical program. Research evidence, in general, of the positive and significant relationship of emotional intelligence with various indicators of social adjustment, such as appropriate social behavior in elementary school children, empathy of people with each other and openness to feelings, lack of negative interaction with friends, warmth and feeling of sympathy with others, Communicating positively with others and being satisfied with this relationship informs. Based on the findings of this research, emotional intelligence plays a mediating role in the relationship between theory of mind variables and social competence in adolescent girls. This indicates the full mediation role of the dimensions of happiness, realism, interpersonal relationships, self-control and flexibility in the relationship between second-level theory of mind and social fulfillment.

Keywords: Theory of Mind, Social Competence, Emotional Intelligence

[∗] Full Professor of Tabriz University Psychology Department

^{∗∗} PhD student of Tabriz University in psychology

^{∗∗∗} PhD student of Tabriz University in psychology (Corresponding Author)